

بررسی مبانی تفسیر قرآن کریم از دیدگاه امام محمدباقر (علیه السلام)

مژگان سخی مطلق^۱، منصور پهلوان^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۳ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۱۹)

چکیده

یکی از مباحث مهم در حوزه علوم قرآنی و تفسیر، مسئله «مبانی یا اصول تفسیر» است. مبانی تفسیر که همان باورها و اصول پذیرفته شده و مسلم نزد مفسر است، در فرایند تفسیر وی، ایفای نقش می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش آنها، سبب رویکرد خاص در تفسیر می‌گردد. از آنجا که مبانی مفسران متفاوت است، لذا اختلاف در تفسیر پدید می‌آید. از امام محمدباقر (علیه السلام) روایات فراوانی در حوزه تفسیر آیات قرآن و علوم قرآنی باقی مانده است که با توجه به آنها برخی از مبانی تفسیری از دیدگاه امام محمدباقر (ع) عبارتند از: قدسی بودن قرآن کریم، سلامت آن از خطر تحریف، قرأت واحد قرآن، امکان و جواز تفسیر آن، ساختار چند معنایی قرآن، حجیت سنت رسول اکرم (ص) و اوصیای ایشان در تفسیر و

کلید واژه‌ها: مبانی، تفسیر، روایت، ظاهر و بطن، امام محمدباقر (علیه السلام)

مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت بشر و راهنمای سلوک انسان است. بهره‌مندی از دریای معارف قرآن کریم، مبتنی بر فهم و تفسیر آن است. برای راه‌یابی به تفسیر کامل و دریافت معانی آیات، شناخت مقدمات تفسیر و اهتمام به تحلیل و تثبیت مبانی تفسیر لازم است. عموم

۱. نویسنده مسؤل: دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین تهران، Email:ms111motlagh@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه تهران.

مفسران قبل از آغاز تفسیر (یا همگام با تفسیر) به تحلیل مبانی تفسیر خود می‌پردازند. کسی که پدید آورنده قرآن را حکیم و برخوردار از علم مطلق نداند، برخی از آیات به ظاهر متعارض را خطای پدید آورنده خواهد دانست و از فرایند فهم به دور می‌ماند. کسی که از هدف نزول قرآن بی اطلاع باشد، ارتباط آیات را در نمی‌یابد و به مرادهای ظاهری اکتفا می‌کند. کسی که به اعجاز قرآن قائل نباشد و به بلاغت و فصاحت قرآن کریم معتقد نباشد، از درک لطائف آیات به دور می‌ماند. اگر مفسری در فرایند تفسیر معتقد به «نسبیت فهم» باشد، هیچ فهم ثابتی از قرآن نخواهد داشت و در رسیدن به مراد الهی در می‌ماند.

انتخاب هر مبانی تفسیری خود برخاسته از نگرش مفسر به دین، قرآن، پیامبر اکرم (ص) و ... است؛ همان چیزی که سبب پیدایش فرقه‌های کلامی یا مذهبی می‌گردد. آنچه که اهمیت دارد، انتخاب صحیح مبانی تفسیر است تا زیر ساخت‌ها و مقدمات تفسیر، به نحو کامل‌تری شکل بگیرد و در نتیجه فهم بهتری از قرآن کریم حاصل گردیده و هدایت بشر، محقق شود. عدم آگاهی از مبانی صحیح، مفسر را دچار خطای در تفسیر می‌کند. از آنجا که قول و فعل و تقریر معصومان (ع) در تفکر شیعی، حجیت دارد، لذا انتخاب مبانی تفسیر برگرفته از کلام معصومان (ع) می‌تواند ما را به فهم بهتر از قرآن کریم و تفسیر صحیح‌تر این کتاب آسمانی برساند.

اهم مبانی تفسیر قرآن از دیدگاه امام محمد باقر (ع)

با مطالعه روایات تفسیری به جا مانده از امام محمد باقر (ع) مبانی متعددی قابل استخراج است که اهم آنها عبارتند از:

۱- قدسی بودن قرآن

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری امام محمد باقر (ع)، قدسی بودن قرآن کریم و منزلت آسمانی آن است. لفظ و معنای قرآن کریم از طرف خدای متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و جبرئیل امین واسطه نزول آن بود. دلایل عقلی و نقلی (از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام نیز) این مفهوم را تأیید می‌کند.^۱

۱. از جمله دلایل عقلی، آنکه خداوند واجب الوجود، حکیم و مقدس است. کلام و فعل خداوند نیز ←

از مهم‌ترین دلایلی که در تبیین قدسی بودن قرآن کریم مطرح شده است اولاً داشتن منشأ الهی برای این کتاب شریف است. ثانیاً نص آن از هر نوع تغییر و تبدیل مصون مانده و به عبارت دیگر دارای سلامت نص است. ثالثاً اقتضای قدسی بودن قرآن کریم، حکیمانه بودن آن است، زیرا متکلم آن حکیم بوده و کلام او از استواری و احکام درونی برخوردار است. (تفصیل را نک: مؤدب، ۴۷-۷۹)

روایاتی چند در تأیید این معنا از امام محمد باقر(ع) نقل شده است. زراره بن اعین گوید: «سألت ابا جعفر(ع) عن القرآن فقال لي: «لا خالق ولا مخلوق و لكنّه كلام الخالق» (عیاشی، ۶/۱) یعنی: قرآن نه خالق است نه مخلوق، بلکه کلام (خداوندگار حکیم) خالق است. و نیز زراره از امام باقر (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «ان القرآن واحد نزل من عند واحد» (کلینی، ۶۳۰/۲) یعنی: همانا این قرآن واحد است و از جانب یک (خداوندگار واحد) نازل شده است.

بر این اساس، قرآن کتابی قدسی و متفاوت از کلام بشری است و منشأ آن الهی است، لذا بیان آن حکیمانه است و از استواری ویژه‌ای برخوردار است.

۲- سلامت قرآن از خطر تحریف

قرآن کریم از عصر نزول تاکنون با آنکه مورد معارضه مخالفین واقع شده، اما هم‌چنان از خطر تحریف مصون مانده و خواهد ماند.^۱ در یک نگاه کلی، تحریف قرآن را می‌توان به دو نوع معنوی و لفظی تقسیم کرد. مقصود از «تحریف معنوی» برداشت انحرافی و تفسیر و توجیه سخن برخلاف مقصود گوینده است. این نوع تحریف به طور قطع درباره قرآن رخ داده است، چنان‌که امام علی(ع) نیز از وقوع آن در زمان خود و آینده خبر داده است. (سیدرضی، خطبه ۱۷، و نیز نک کلینی، ۱۵۱/۱)

اما مقصود از «تحریف لفظی» تبدیل یا کاهش و افزایش الفاظ سخن گوینده است. آن‌چه که بیشتر مورد بحث و اهتمام قرآن پژوهان است، بررسی تحریف قرآن به معنای

→ حکیمانه و مقدس است. لذا قرآن کریم به عنوان کلام الهی، امری مقدس و حکیمانه است چنانچه

از جمله دلایل نقلی، آیات ۱۹۲-۱۹۵ از سوره مبارکه شعراء است که می‌فرماید: «و انه لتنزيل رب

العالمین، نزل به الروح الامین، علی قلبک لتکون من المنذرين، بلسان عربي مبين».

۱. تحریف در لغت از ریشه «ح.رف» به معنای مایل کردن، به کنار بردن و دگرگون ساختن آمده است، و

تحریف سخن به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده است که در نتیجه باعث ایجاد نوعی

دگرگونی در آن می‌شود. (نک: ابن فارس، ۴۲/۲ و نیز الرأغب الاصفهانی، ۱۱۳ و نیز الفراهیدی، ۱۷۳).

کاهش و نقصان در کلمات، آیات و حتی سوره‌های قرآن کریم است؛ چون تحریف به معنای افزایش آیه یا سوره‌ای در قرآن و تبدیل آیات به آیاتی دیگر، موضوعاً منتفی است. (نجارزادگان، ۱۰۰-۱۰۶، خوبی، ۲۵۵-۲۵۷) تغییر در کلمات آیات نیز، تا آنجا که به اختلاف در تلفظ و ادای کلمه مربوط می‌شود، از مقوله اختلاف قراءات است که از موضوع بحث بیرون است.

در اثبات سلامت قرآن از خطر تحریف (لفظی) ادله‌ی متعددی وجود دارد که از آن جمله‌اند: شواهد عقلی، شواهد تاریخی، آیات قرآن و احادیث معصومان(ع). (تفصیل بحث را نک: نجارزادگان، ۲۳-۳۴)

از آنجا که در این مقال، به بررسی مبانی تفسیر قرآن از دیدگاه امام پنجم شیعیان می‌پردازیم، در این خصوص به روایتی از ایشان استناد می‌کنیم.

امام محمدباقر(ع) به یکی از یاران خود به نام سعدالخیر چنین نگاشته‌اند: «... و کان من نبذهم الکتاب آن أقاموا حروفه و حرقوا حدوده». (کلینی، ۵۳/۸، ابن سلام، ۲۶) یعنی: و از جمله بی‌اعتنایی آن‌ها به قرآن این است که الفاظ قرآن را به پا داشتند، ولی حدود و مرزهای آن (معارفش) را تحریف کردند.

عبارت امام محمدباقر(ع) صراحت دارد که در الفاظ قرآن تحریفی صورت نپذیرفته است، چرا که به یادداشتن الفاظ کنایه از حفظ الفاظ قرآن است، هر چند که احکام قرآن را تغییر دادند و دستوراتش را تباه ساختند.

۳- قرائت واحد قرآن کریم

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری نزد معصومان(ع)، لزوم تفسیر براساس نص الهی و قرائت صحیح است و بر هر مفسری لازم است که قرآن را براساس قرائتی که طبق آن نازل شده است، تفسیر کند. البته در این خصوص دیدگاه یکسانی بین مفسران وجود ندارد و آنها در خصوص قرائت و یا قراءاتی که براساس آن به معنی شناسی، تفسیر و دریافت مراد خداوند متعال می‌پردازند، اختلاف نظر دارند.

از علل گسترش اختلاف قراءات می‌توان به خالی بودن مصاحف اولیه از علائم اعرابی و نقطه و اختلاف لهجات قاریان اشاره نمود. نیز اجتهاد قاریان در امر قرائت قرآن بر این اختلاف دامن می‌زد. (علل اختلاف قرائات را نک: فضلی، ۸۹-۱۰۲) از دیدگاه امام محمد باقر(ع) قرآن، براساس یک قرائت، توسط پیامبر اکرم(ص) بر مردم خوانده شده است و

مسئله اختلاف در امر قرائت قرآن کریم به طور عمده ناشی از اعمال نظر توسط راویان و قاریان است. لذا قرائت قرآن واحد است و آن همان قرائتی است که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده و در بین عموم مسلمانان به عنوان «قراءه العامه» یا «عامه القرآن» شهرت دارد و مصحف‌نگاران به هنگام نگارش قرآن بر طبق آن عمل نموده‌اند.

روایت حاضر از امام محمدبن علی الباقر (ع) بر این امر دلالت دارد: «عن زراره عن ابی جعفر (ع) قال: «ان القرآن واحدٌ نزل من عند الواحد و لكن الاختلاف یجىء من قبل الرواه» (کلینی، ۶۳۰/۲) یعنی: قرآن یکی است و از نزد یک فرد نازل شده است ولی این اختلاف از سوی راویان پدید آمده است.

بر این اساس یکی از عوامل اصلی پیدایش اختلاف قراءات در قرآن کریم اجتهاد راویان بوده است.

۴- امکان و جواز تفسیر قرآن کریم

تفسیر قرآن امری ممکن و قرآن کتابی قابل فهم برای عموم مردم است، ولی فهم آن دارای مراتبی است که برخی از مراحل و مراتب آن در اختیار معصومان (ع) است. بر این اساس تفسیر قرآن مختص به معصومان (ع) نیست و ادله اختصاص تفسیر قرآن برای ایشان (ع) مستند نیست بلکه تفسیر برای سایرین امری ممکن و مجاز است. دعوت قرآن کریم از همه مخاطبان خود به «تدبّر در آیات» این کتاب الهی، ناشی از همین مسئله است.^۱ بر همین اساس است که تاکنون هزاران تفسیر برای قرآن کریم نگاشته شده و صدها تفسیر هم اکنون موجود است. نیز ضرورت تفسیر قرآن، مستند به دلایل عقلی و نقلی می‌باشد.^۲ روایات دالّ بر «نهی از تفسیر به رأی» یا «اختصاص تفسیر قرآن به معصومان علیهم‌السلام» و یا «عدم جواز تفسیر» دلالتی بر نهی مطلق از تفسیر ندارد. (نک: مؤدب، ۹۷-۱۱۹) گرچه روایت «من خوطبَ به» که در آن گفتگوی امام محمد باقر (ع) با قتاده بیان شده است (کلینی، ۳۱۲/۸) در نگاه اول تداعی‌کننده انحصاری بودن تفسیر قرآن است اما دقت در آیات و روایات مربوطه نشان می‌دهد که کامل‌ترین مرحله فهم و تفسیر قرآن در اختیار پیامبر اکرم (ص)، یعنی کسی است که قرآن به او

۱. از جمله نک: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۸۲ و نیز سوره محمد (ص)، آیه ۲۴ و نیز سوره مؤمنون، آیه ۶۸ و نیز سوره ص، آیه ۲۹.

۲. از جمله دلایل عقلی، آن است که به اقتضای هدایت بشر به وسیله خداوند، فهم کتاب او برای بشر لازم است. نیز از دلایل نقلی می‌توان به آیات قرآنی نظیر آیه ۶۸ از سوره مؤمنون اشاره کرد.

خطاب شده، ولی فهم ظاهری قرآن مخصوص پیامبر اکرم(ص) نبوده و نیست و برای دیگران هم امکان‌پذیر است. (آخوند خراسان، ۵۹/۲-۶۱)

به نظر می‌رسد که اختصاص فهم قرآن به معصومان (ع) ناظر به استفاده از قرآن قبل از فحس از آیات باشد و گرنه پس از جستجو از مطلق و مقید قرآن یا عام و خاص آن و ... مراتبی از فهم قرآن برای دیگران نیز امکان‌پذیر می‌باشد. (معرفت، ۸۸/۱)

نیز روایات دال بر اختصاص تفسیر قرآن به معصومان (ع) در تعارض با روایاتی است که غیرمعصومان را امر یا توصیه به تفسیر قرآن می‌کند.^۱

از جمله روایاتی که ما را امر به فهم و تدبر و تفسیر قرآن می‌کند روایت، منقول از امام محمد باقر(ع) است که از قول جدشان امام علی (ع) نقل می‌کند: «... انّ علی کل حق حقیقه و علی کل صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوا به و ما خالف کتاب الله فدعوه» (عیاشی، ۸/۱) یعنی: بر هر امر حقی، حقیقتی قرار دارد و بر هر امر شایسته‌ای، نوری حاکم است، پس هر آنچه را که موافق کتاب الهی است، بگیرید و هر آنچه که مخالف آن است، رها کنید. لذا براساس این روایت، بایستی جهت اخذ آنچه موافق قرآن کریم است، ابتدا فهم مفسر و تدبر او برای اثبات موافقت مسئله با قرآن کریم، به کار گرفته شود و در این راه گریزی از امر تفسیر نیست.

۵- ساختار چند معنایی قرآن کریم

از مهم‌ترین مبانی تفسیر قرآن، اعتقاد به ساختار چند معنایی برای آیات قرآن کریم است. بر این اساس، برای هر آیه، پس از گذر از معنای ظاهری، می‌باید به معنای درونی و لایه‌های بعدی معنایی آیات توجه کرد، که از آن تعبیر به «بطن» می‌شود.

قرآن کریم در بین دیگر متون و کلام‌های صادر شده، ممتاز است. آیات قرآن کریم دارای مراتب معنایی فراوانی است، به گونه‌ای که هیچ متن دیگری همتای قرآن نیست؛ از این رو یک کلمه یا یک عبارت قرآنی، علاوه بر معنای ظاهری، دارای ساحت‌های معنایی دیگری نیز هست که می‌توان بر آن حمل نمود. در روایت نبوی (ص) آمده است که: «القرآن ذلولٌ ذو وجوهٍ فاحملوهُ علی احسن الوجوه» (سیوطی، ۲۱۱/۴) یعنی: قرآن

۱. الکلینی، ج ۳، ص ۳۳، آن‌گاه که راوی از امام صادق(ع) یک سؤال فقهی می‌پرسد، حضرت او را به قرآن کریم ارجاع می‌دهد: «یُعرفُ هذا و اشباهه من کتاب الله» یعنی: این مسئله و نظایر آن از کتاب الهی شناخته می‌شود.

رام و دارای معانی چند وجهی و انعطاف‌پذیر است، پس آن را بر بهترین وجه حمل کنید. البته باید توجه داشت که برخی از این وجوه معنایی، ممکن است ناصحیح باشد؛ لذا لازم است تا مفسر به معانی صحیح الفاظ و عبارات قرآن توجه کامل نماید و معانی ناصحیح و ناسازگاری‌های معانی را در حدّ توان خویش با استفاده از سایر آیات قرآن کریم و روایات معتبر شناسایی نماید و از ساحت قرآن دور سازد.

ساختار چند معنایی قرآن کریم یکی از اسباب جاودانگی این کتاب بزرگ شده است که می‌تواند مرادهای چندگانه همسویی را برای قرآن به همراه داشته باشد. این معانی گاه ناظر به مصادیق و افراد و گاه شامل مراتب معانی آیات است و دسترسی کامل به آنها بر عهده متخصصان ژرف اندیش است، و همه معانی محتمل، نمی‌تواند مراد متکلم یعنی خدای متعال باشد. برخی از مستندات وجود بطون برای قرآن کریم از دیدگاه امام محمد باقر(ع) از این قرارند:

- عن فضیل بن یسار، قال سألتُ ابا جعفر (ع) عن هذه الروایه: ما فی القرآن آیه الا و لها ظهْرٌ و بطنٌ، فقال: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ و بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ، منه ما مضى و منه ما لم یکن، یجری کما یجری الشمس و القمر» (عیاشی، ۱۱/۱ و نیز صفار، ۱۹۶) یعنی: از فضیل بن یسار نقل شده که می‌گوید از امام باقر(ع) در خصوص روایت (نبوی صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدم که فرموده: هیچ آیه‌ای در قرآن کریم نیست مگر آنکه دارای ظاهر و باطن است. حضرت باقر(ع) فرمود: ظاهر آن، همان تنزیل و باطن آن، تأویل است که بخشی از آن گذشته و بخشی از آن هنوز نیامده است، قرآن جریان دارد همان‌طور که خورشید و ماه جریان دارند.

- عن جابر بن یزید قال سألتُ ابا جعفر(ع) عن شیءٍ من التفسیر فأجابنی ، ثم سألتُهُ عنه ثانیاً فأجابنی بجوابٍ آخر، فقلتُ كنتُ أجبّتی فی هذه المسألهِ بجوابٍ غیر هذا، فقال: «یا جابر! انّ للقرآن بطناً و للبطنِ بطناً» (عیاشی، ۱۱/۱) یعنی: از جابر بن یزید نقل شده است که گفت: از محضر امام باقر(ع) در خصوص تفسیر قرآن، سؤالی نمودم و آن حضرت پاسخخم فرمود. بار دیگری همان سؤال را از محضر ایشان پرسیدم ولی به گونه دیگری پاسخخم دادند. به ایشان عرض کردم که قبلاً در پاسخ به همین سؤال، گونه‌ی دیگری جواب دادید. فرمود: ای جابر قرآن دارای بطن است و بطن آن نیز بطن دیگری دارد.

بدین جهت بوده است که بسیاری از مفسران به ویژه مفسران شیعه از گذشته تاکنون، نسبت به تفسیر باطنی قرآن اهتمام داشته‌اند. علامه طباطبایی ذیل آیه هفتم از سوره مبارکه آل عمران در بحث از تأویل آیات متشابه، پس از ذکر روایات مربوط به

باطن قرآن، آورده است که قرآن دارای مراتبی از معانی است که بر حسب مراتب اهل آن، قابل درک است و ظهر و بطن امری نسبی است. (طباطبایی المیزان، ۷۲/۳) ایشان در جای دیگری از این بحث آورده است که وجود مراتب معانی در آیات، که برخی فوق برخی دیگر است و برخی در ذیل دیگری است، قابل انکار نیست، مگر برای کسی که از نعمت تدبّر بی‌بهره باشد. (همانجا)

به نظر می‌رسد که تمامی آیات قرآن هم چنان که ظاهر دارد، باطن هم دارد و بطون شامل تمامی آیات قرآن می‌شود و این مطلب از روایت نبوی (ص) نیز مستفاد می‌شود.^۱ معانی باطنی قرآن در طول معانی ظاهری و مرتبط با آنهاست که پس از دریافت و قبول تنزیل و معانی ظاهری می‌توان به معانی باطنی رسید. علامه طباطبایی در این مورد نیز آورده است که قرآن مجید، ظاهر و باطن دارد که هر دو از کلام اراده شده‌اند؛ جز اینکه این دو معنی در طول هم مرادند نه در عرض هم دیگر، به عبارت دیگر نه اراده‌ی ظاهر لفظی، اراده باطن را نفی می‌کند و نه اراده باطن، مزاحم اراده ظاهر می‌باشد. (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۲۸)

برای دستیابی به معانی باطنی لازم است که از معصومان (ع) کمک گرفته شود، هر چند که با تدبّر و اجتهاد در آیات، می‌توان به مراتبی از این معانی باطنی رسید. آیه الله معرفت هم در بیان تأویل به «نظریه بطن» که همان «دریافت پیام‌های درونی آیات» است، اشاره می‌کند و آن را مفهوم عام هر آیه می‌داند که می‌تواند در همه زمان‌ها قابل دسترسی باشد. (معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ۱۰)

- عن حمران بن اعین قال سألت ابا جعفر (ع) عن ظهر القرآن و بطنه فقال: «ظهره الذین نزل فیهم القرآن و بطنه الذین عملوا بمثل اعمالهم، یجری فیهم ما نزل فی اولئک» (صدوق، ۲۵۹، عیاشی، ۸۶/۱) یعنی: از حمران بن اعین نقل شده است که گفت: از امام باقر (ع) در خصوص ظاهر و باطن قرآن سؤال نمودم، آن حضرت فرمود: ظهر قرآن کسانی هستند که قرآن درباره آنها نازل شده است و بطن آن، کسانی هستند که همانند پیشینیان عمل کردند (و این آیات در مورد آنها نیز مصداق دارد). آنچه که درباره گذشتگان نازل شده درباره آن دسته از آیندگان که کردارشان مشابه گذشتگان باشد، نیز جاری است.

به نظر می‌رسد که امام (ع) در این بیان، برای بطن، معنی دیگری را اراده کرده‌اند

۱. العیاشی، ۱۱/۱، که از حضرت رسول (ص) روایت شده که فرمود: «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهر و بطن»

که می‌توان از آن تحت عنوان «ذکر مصادیق آیات» نام برد. لذا بطن قرآن در نصوص روایی شیعه به همان معنای لغوی آن یعنی امر پوشیده از انظار در بدو امر، با مصادیق گوناگون آن، به کار رفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: تأویلی که با تجرید خصوصیات نزول و کشف مناظ حکم، با تعمیم بر موارد مشابه صورت می‌پذیرد (نظیر آنچه که در حدیث سوم از امام محمد باقر علیه‌السلام بدان اشاره شد)، معارفی از سنخ وجود که هنوز تأویل آنها نیامده است، معانی پنهان دو مراتب از سنخ معنا و مفهوم.^۱

۶- انسجام، پیوستگی و سازگاری آیات با یکدیگر

گرچه آیات قرآن در شرایط متفاوتی نازل شده‌اند ولی با یکدیگر مرتبط‌اند و از انسجام و پیوستگی برخوردارند و نمی‌توان برخی از آیات را بدون بررسی دیگر آیات مرتبط تفسیر نمود. ارتباط معنایی آیات قرآن کریم گاهی در درون یک آیه و گاهی در درون یک سوره و گاهی در کل قرآن کریم و به صورت موضوعی است.

به این جهت اکثر مفسران، قرآن را نظام‌مند دانسته و معتقد به تناسب بین آیات هستند. ایشان معتقدند که لازم است در تفسیر آیات قرآن کریم از قاعده سیاق کمک گرفت. به عبارت دیگر سیاق آیات که همان قرائن لفظی موجود در کلام است، مبتنی بر ارتباط و پیوستگی بین اجزای یک آیه و یا چند آیه است در این خصوص روایت زیر از امام محمدباقر (ع) جلب نظر می‌کند که می‌فرماید: «انّ الایه یكون اولها فی شیء و اوسطها فی شیء و آخرها فی شیء و هو کلام متصل» (عیاشی، ۱۱/۱) آغاز آیه در مورد مطلبی خاص، میانه آن درباره مطلبی دیگر و پایان آن مطلب متفاوت دیگری را بیان می‌کند، ولی تمامی اجزای آن، کلامی متصل است.

آن‌چنان که عبارات و کلمات درون یک آیه با هم ارتباط و پیوند دارند، آیات یک سوره هم که از سوره‌های دیگر مجزا شده است، پیوستگی معنایی خاصی با هم دارند. از جمله دانشمندان معاصر که به این پیوستگی معنایی اعتقاد دارند، علامه طباطبایی است. ایشان آورده است: «هر طایفه از آیات قرآن که یک سوره به حساب آمده است، دارای نوعی وحدت تألیف است که در اجزای سوره‌های دیگر چنین تألیفی نیست ... هر سوره برای بیان معنای خاصی فرود آمده که بدون آن تمام نمی‌شود.» (طباطبایی،

۱. برای تفصیل این بحث نک: نجارزادگان، بررسی تطبیق مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، ۶۳-۸۸ و نیز بابایی، ۲/ ۲۲-۵.

المیزان، ۱۶/۱)

به نظر برخی از مفسرین، علاوه بر ارتباط آیات درون سوره‌ها، پایان هر سوره نیز با آغاز سوره بعدی مرتبط است و نمی‌توان در تفسیر آیات هر سوره از این نکته غافل شد. (از جمله نک: طبرسی، ۶۲۴/۸ و ۶۴۷ و ۶۸۱)

۷- جامعیت قرآن

از جمله مبانی مهم در تفسیر قرآن کریم، جامعیت قرآن و آموزه‌های آن در زندگی بشر است. مقصود از جامعیت قرآن، شمول و فراگیری آیات قرآن و آموزه‌های آن نسبت به همه شوؤن زندگی بشر در تمامی دوران‌ها، با هدف هدایت انسان است. بنابراین قرآن برای همه انسان‌ها و همه مکان‌ها و زمان‌ها و برای همه امور زندگی بشر، اعم از امور فردی و اجتماعی نازل شده است. در برخی از آیات قرآن کریم به رسالت فراگیر پیامبر اکرم (ص) اشاره شده که نشان از جامعیت مفاهیم قرآن کریم دارد؛ از جمله آنجا که می‌فرماید: «**قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً**» (الاعراف، ۱۵۸) یعنی: بگو ای مردم! من فرستاده خدا به سوی شما هستم.

جامعیت قرآن کریم علاوه بر اینکه به دلایل نقلی اعم از قرآن و سنت نبوی (ص) مستند است، به دلایل عقلی نیز استناد می‌یابد. در خصوص برخی مستندات جامعیت قرآن کریم بر مبنای دلایل عقلی، می‌توان گفت که، انسان برای رسیدن به سعادت و کمال، نیازمند زندگی اجتماعی است که دارای قوانین و مقررات کامل و به دور از خطا باشد و چنین چیزی جز با وجود قانونگذاران عادل و معصوم محقق نمی‌شود؛ همین امر است که ضرورت بعثت انبیاء و تشریح قوانین الهی را (در قالب کلام وحی الهی یا قرآن کریم) تبیین می‌کند. (تفصیل را نک: محقق حلی، ۲۷۱-۲۷۳)

برخی از مفسران در خصوص جامعیت قرآن و فراگیری آموزه‌های آن به برخی از آیات قرآن کریم - به عنوان دلیل نقلی - اشاره نموده‌اند، از جمله - **ونزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیءٍ وهدی ورحمه و بشری للمسلمین** - (النحل، ۸۹) یعنی: و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گر است، بر تو نازل کردیم.

مراد از عبارت «کل شیء» در این آیه شریفه، با توجه به هدف نزول قرآن کریم، همه معارف و علوم و آدابی است که برای هدایت بشر لازم است.

اما در خصوص مستند روایی در بحث از جامعیت قرآن، می‌توان به روایت امام باقر(ع) اشاره نمود که می‌فرماید: «انّ الله تبارک و تعالی لم يدع شيئاً يحتاج اليه الأمّة الاّ انزله في كتابه و بيّنه لرسوله» (کلینی، ۵۹/۱) یعنی: خدای متعال هیچ امری را فروگذار نکرده که مردم بدان احتیاج داشته باشند، مگر آن که آن را در کتابش فرو فرستاده و برای رسولش آن را بیان نموده است.

چنان‌که از روایت یاد شده، قابل استفاده است، جامعیت قرآن در راستای هدف نزول آن است که همان هدایت‌گری برای انسان‌هاست. دیدگاه غالب مفسران فریقین در خصوص آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل شمول و جامعیت قرآن در قلمرو همه مسائلی است که به هدایت انسان‌ها بازمی‌گردد و سعادت او را تضمین می‌کند.^۱ جامعیت قرآن کریم یکی از عواملی است که سبب جاودانگی آن گردیده است و این کتاب را قابل استفاده برای بهره‌مندی همه انسان‌ها نموده است. بر همین اساس نیز مفسران در همه دوران‌ها برای سعادت‌مندی بشر به قرآن روی کرده و برداشت‌های جدیدی با توجه به موضوعات جدید، از این کتاب راهنما داشته‌اند.

۸- حجّیت سنّت رسول اکرم(ص) و اوصیای ایشان در تفسیر قرآن

مقصود از سنت در اصطلاح عبارت است از «نفس قول، فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام». (شیخ بهایی، ۵۳۵) حجّیت سنّت رسول اکرم(ص) در تفسیر قرآن، بدان معنی است که هر آنچه پیامبر اکرم(ص) در تفسیر قرآن گفته‌اند، دلیلی برای قطع عذرها و ابطال توهم دیگران است. دلیل اصلی این حجّیت، نصّ صریح قرآن کریم است که خداوند بخشی از شریعت خود را به تفصیل و بخشی دیگر از آن را به صورت کلی نازل نموده است و تعلیم آن را به رسول خود سپرده است. (از جمله نک: النحل، ۴۴، النجم، ۴۳، الحشر، ۷، القیمه، ۱۶-۱۹)

لذا تبیین کلی وحی و تطبیق مفاهیم نازل شده بر مصادیق آن، جزء وظایف تعلیمی رسول خدا(ص) است؛ مانند دستور افزایش تعداد رکعات نماز و یا تحریم هر نوع نوشیدنی مست‌کننده. (نجارزادگان، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن، ۹۷) در احادیث ذیل امام محمد باقر(ع) بر حجّیت احادیث پیامبر اکرم(ص) و یا اوصیای

۱. در خصوص این بحث نک: الطباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۲۴/۱۲ و نیز الطبرسی، ۱۹۰/۶

ایشان به عنوان مفسران قرآن کریم تأکید نموده است:

- عن عمرو بن قیس عن ابی جعفر (ع) قال: «سمعتہ یقول انّ اللہ تبارک و تعالی لم یدع شیئاً یحتاج الیه الامّه الی یوم القیامه الا انزلّه فی کتابه و بینہ لرسوله و جعل لكل شیء حدّاً و جعل دلیلاً یدلّ علیه و جعل علی من تعدی ذلك الحدّ حدّاً» (عیاشی، ۶/۱) یعنی: از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: خداوند متعال هیچ چیزی را که امت تا به روز قیامت بدان نیازمند باشد، فرو گذار نکرده مگر آنکه آن را در کتاب خویش نازل فرموده و برای رسول خود بیان نموده و برای هر چیزی حدی قرار داده و برای آن حد نیز، دلیل و راهنمایی قرار داده که بدان دلالت کند و برای هر کس که از آن حد، تجاوز کند، حدی قرار داده است.

- البرقی مرسلأ قال: قال ابو جعفر (ع): «انّ القرآن شاهد الحق و محمد (ص) لذلك مستقر، فمن اتخذ سبباً الی سبب اللہ لم یقطع به الاسباب و من اتخذ غیر ذلك سبباً مع کلّ کذاب، فاتقوا اللہ فانّ اللہ قد اوضح لکم اعلام دینکم و منار هداکم، فلا تأخذوا امرکم بالوهن و لا اديانکم هزواً، فتدحض اعمالکم و تخبطوا سبیلکم و لا تكونوا اطعم اللہ ربکم، اثبتوا علی القرآن الثابت و کونوا فی حزب اللہ تهتدوا و لا تكونوا فی حزب الشیطان فتضلوا، یهلك من هلك، و یحیی من حیّ و علی اللہ البیان بینکم، فاهتدوا و بقول العلماء فانتمتعوا و السبیل فی ذلك الی اللہ، فمن یهده اللہ فهو المهدی و من یضل اللہ فلن تجد له ولیاً مرشداً.» (برقی، ۲۶۸) یعنی: از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: قرآن، شاهد حق است و پیامبر اکرم (ص) برای همان امر، مستقر است، پس هر کس وسیله‌ای به سوی خداوند متعال بگیرد، روابط و وسائلش قطع نگردد و هر کس وسیله دیگری (به جز وسیله الهی) بگیرد، با دروغگویان است، پس تقوای الهی پیشه کنید چرا که خداوند نشانه‌های دین شما را برایتان واضح و روشن گردانیده، پس در کار خود سستی مکنید و دینتان را به سخره نگیرید که اعمالتان نابود و راهتان بیراهه می‌گردد و مطیع پروردگارتان نخواهید بود. بر قرآن ثابت، پایداری ورزید و در حزب الهی باشید تا هدایت یابید و در حزب شیطان نباشید که گمراه می‌شوید. هر کس اهل هلاکت باشد، نابود می‌گردد و سرزندگان زنده می‌مانند و توضیح و بیان تنها بر عهده‌ی خداوند است، پس هدایت بپذیرید و از گفتار دانشمندان بهره بگیرید که این راه به سوی پروردگار می‌انجامد، چرا که هر کس را خداوند هدایت کند، مهتدی گردد و هر کس را که خداوند گمراه سازد، هرگز برای او راهبری هدایتگر نخواهی یافت.

- و بالاسناد عن جابر، قال: قال ابو جعفر (ع): «ما احدثنا كذباً على الله ولا على رسول الله ممن كذبنا اهل البيت او كذب علينا لآنا نتحدث عن رسول الله (ص) و عن الله فاذا كذبنا فقد كذب الله و رسوله» (مجلسی، ۱۹۱/۲) یعنی: امام باقر (ع) فرمود: نزد خدا و رسول او دروغگوتر از آنکه ما اهل بیت را تکذیب کند یا بر ما دروغ بندد، کسی نیست، چرا که ما از خداوند و رسولش حدیث می‌گوئیم، پس هر که ما را تکذیب کند، خدا و رسول او را تکذیب نموده است.

- عن جابر، قال: قلت لابی جعفر محمد بن علی الباقر (ع) اذا حدثتني بحديث فأسنده لي، فقال: حدثني ابي عن جدتي عن رسول الله (ص) عن جبرئيل عن الله عزوجل و كل ما احدثك بهذا الاسناد. (مفید، ۴۲) یعنی: از جابر نقل شده که می‌گوید به امام باقر (ع) عرض کردم که آن‌گاه که برایم حدیث می‌گوئید مسند بفرمائید. فرمود: پدرم از قول جدّم از قول رسول خدا (ص) از جبرئیل از خدای متعال برای من حدیث نقل فرموده است و هر آنچه برایت نقل کنم با این اسناد است.

- عن اسحق بن عمار، عن جعفر، عن ابیه (علیهما السلام) ان رسول الله (ص) قال: ما وجدتم في كتاب الله فالعمل به لازم، لا عذر لكم في تركه و ما لم يكن في كتاب الله و كانت فيه سنه مني فلا عذر لكم في ترك سنتي و ما لم يكن فيه سنه مني فما قال اصحابي فقولوا به فاتما مثل اصحابي فيكم كمثل النجوم فبايها اخذ اهتدي و باي اقاويل اصحابي اخذتم اهتديتم، و اختلاف اصحابي لكم رحمه قيل يا رسول الله و من اصحابك قال اهل بيتي» (صفار، ۱۱) یعنی: از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) فرمودند: آنچه که در کتاب خدا یافتید، بدانید که عمل به آن لازم است و شما در ترک آن هیچ عذری نخواهید داشت و آنچه که در کتاب خدا موجود نباشد و در آن سنتی از من موجود باشد، پس بدانید که شما هیچ عذری در ترک سنت من نخواهید داشت و در آنچه که از من سنتی نباشد، پس آنچه اصحابم گفتند همان را بگوئید، چرا که مثل اصحاب من در میان شما هم چون مثل ستارگان است که به هر یک هدایت جوئید، هدایت یابید و هر یک از سخنان اصحابم را که اخذ کنید، هدایت می‌پذیرید و اختلاف اصحابم برای شما مایه رحمت است. عرض شد: ای رسول خدا! اصحاب شما چه کسانی هستند؟ فرمود: اهل بیت من هستند.

- عن ابي الجارود قال: قال ابو جعفر (ع): اذا حدثتكم بشيء فاسئلوني اين هو من كتاب الله عزوجل، ثم قال في بعض حديثه، ان رسول الله (ص) نهى عن القيل و القال و

فساد المال و کثره السؤال، فقيل له يابن رسول الله اين هذا من كتاب الله تعالى، قال (ع): «ان الله يقول: لاخير في كثير من نجواهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بين الناس (النساء، ۱۱۴) و قال: لا تؤتوا السفهاء اموالكم التي جعل الله لكم قياماً (النساء، ۵) و قال: لا تسألوا عن اشياء ان تبد لكم تسؤكم (المائدة، ۱۰۱) (کلینی، ۶۰/۱) یعنی: امام باقر(ع) فرمود: آن گاه که برایتان حدیثی گفتم، از من بپرسید که آن را از کجای کتاب خداوند متعال نقل نموده‌اید. آن گاه فرمود: رسول خدا (ص) از قیل و قال و تباهی مال و زیاد سؤال کردن نهی فرموده است. به آن حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا(ص)، این مطلب در کجای قرآن آمده است. فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: در بسیاری از سخنان در گوشی آنها خیری نیست مگر کسی که به صدقه یا کار نیک یا اصلاح میان مردم امر کند. نیز خداوند فرموده است: اموالی که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده است، در اختیار سفیهان مگذارید. و نیز فرموده است: از چیزهایی که اگر برای شما فاش شود، موجب اندوهتان می‌گردد، سؤال نکنید.

از روایات فوق معلوم می‌گردد که اقوال تفسیری اهل بیت پیامبر(ص) نظیر سایر سنن معصومین (ع) حجت است و به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در تفسیر قرآن به کار می‌آید؛ روایاتی که گاه در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب صادر شده و یا در مقام استدلال و احتجاج به آیات قرآن، مطرح گردیده است و مؤید کلام اهل بیت (ع) صرفاً کتاب الهی و یا سنت رسول خدا (ص) است. در واقع روایات معصومان (ع) انعکاسی از سنت رسول خدا(ص) به شمار می‌رود و ماهیتی جز تفسیر کتاب خداوند ندارد. ایشان به عنوان وارثان علوم نبوی (ص)، شاگردان خود را جهت بازشناسی ریشه سخنانشان از قرآن تربیت می‌کردند، لذاست که از امام محمد باقر(ع) نقل شده است که چون در مورد چیزی برای شما سخن گفتم، درباره آن از کتاب خدا، از من سؤال کنید. (همانجا)

۹- ممنوعیت تفسیر به رأی

یکی از مبانی مهم در تفسیر قرآن از دیدگاه معصومان(ع) خصوصاً امام باقر(ع) ممنوعیت تفسیر به رأی است. تفسیر به رأی در این نوشتار عبارتست از تفسیر قرآن بر اساس اعتقاد شخصی، اجتهاد و قیاس، به گونه‌ای که شروط لازم برای تفسیر قرآن، نزد مفسر جمع نشده باشد. (کمالی دزفولی، ۱۹۹)

روایاتی چند از امام باقر(ع) در این زمینه در منابع شیعه به چشم می‌خورد از جمله:

- عن ابی جعفر (ع) قال: «لیس شیءٌ ابعده من عقول الرجال من تفسیر القرآن ان الآیه یُنزلُ أولها فی شیءٍ و اوسطها فی شیءٍ و آخرها فی شیءٍ ثم قال: انما یریدُ الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً من میلاد الجاهلیه» (عیاشی، ۱۷/۱) یعنی: از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ چیزی دورتر از تفسیر قرآن نسبت به عقول مردم نیست، چرا که گاه اول آیه قرآن در یک خصوص نازل شده و وسط آیه در امری دیگر و آخر آن در مسئله‌ای دیگر، سپس فرمود: همانا خدای متعال اراده نموده است که از شما اهل بیت هر نوع پلیدی را بردارد و شما را از پیدایش جاهلیت پاک سازد.

- عن ابی الجارود قال: قال ابو جعفر(ع): ما علمتم فقولوا و ما لم تعلموا فقولوا الله اعلم، فان الرجل ینزع بالآیه فیخرّبها ابعده ما بین السماء و الارض» (عیاشی، ۱۷/۱) یعنی: از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: آنچه را که می‌دانید بگوئید ولی آنچه را که نمی‌دانید پس بگوئید خدا داناست، چرا که انسان گاهی به آیه‌ای استشهاد می‌کند و آن گاه آن را [از معنای خود] به شدت دور می‌کند.

- عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: «من فسّر القرآن برأیه ان اصاب لم یوجر و ان اخطأ فهو ابعده من السماء»؛ از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر که قرآن را براساس نظر خویش تفسیر کند، اگر هم درست بگوید اجری ندارد و اگر خطا کند، بس دور افتاده است.

این روایات در مقام نهی از تفسیر تحمیلی و صرفاً براساس نظر ورأی شخصی مفسّر است بدون آنکه مقدمات لازم فراهم گردد و روش صحیح در آن اعمال شود. منشأ این نحوه تفسیر، پیروی از خواسته‌ها و هوس‌های نفسانی و درآمیختن حق و باطل جهت سوءاستفاده است (نک: مجلسی، ۳۱۵/۲) و از نتایج آن، بدعت و قیاس در دین است. روایاتی دیگر از امام باقر(ع) این معنا را تأیید می‌کند:

- عن زراره بن اعین قال: قال لی ابو جعفر محمد بن علی(ع): «یا زراره ایاک و اصحاب القیاس فی الدین فانهم ترکوا علم ما وکلوا و تکلفوا ماقد کفوه، یتأولون الاخبار و یکذبون علی الله عزوجل و کأنی بالرجل منهم ینادی من بین یدیه فیجیب من خلفه و ینادی من خلفه فیجیب من بین یدیه فدتاهوا و تحيروا فی الارض و الدین» (مفید، ۵۱)

۱. همانجا، لازم به ذکر است، طی سؤالی که ابوبصیر صحابی نابینا از امام صادق(ع) پرسیده است، آمده که گفت: گاه حدیثی را از شما می‌شنوم ولی از قول پدرتان نقل می‌کنم و گاهی از پدرتان شنیده‌ام ولی از قول شما نقل می‌کنم، حضرت صادق(ع) فرمود: اشکالی ندارد جز آنکه اگر همه را از قول پدرم نقل کنی بهتر است. نک: کلینی، ۵۱/۱.

یعنی: امام باقر(ع) فرمود: ای زراره! از اصحاب قیاس در دین بپرهیز، چرا که آنها علم آنچه را که بدان می‌بایست ملتزم می‌شدند، رها کردند و آنچه را که از آن بی‌نیاز بودند را با تکلف به دست آورده‌اند، اخبار را پیش خود تأویل می‌کنند و به خداوند متعال دروغ می‌بندند گوئی مانند کسی هستند که اگر شخصی آنها را از مقابل بخواند، از پشت سر به او جواب می‌دهند و اگر از پشت بخواند از مقابل به او جواب می‌دهند - یعنی در هر حال برخلاف خواسته‌ی او عمل می‌کنند - اینها در زمین و در دین متحیر و سرگردانند. - عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر(ع) قال: «ادنی الشکر أن یتتعد الرجل رأياً فیحبّ علیه و ینغض علیه المحاسن» (مجلسی، ۳۰۴/۲) یعنی: از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: بدترین مرحله شرک آن است که شخص نظری را بدعت نماید و براساس آن حبّ و بغض خود را نسبت به نیکی‌ها، مشخص سازد.

۱۰- جریان داشتن قرآن در بستر زمان

از دیدگاه امام محمد باقر(ع)، قرآن حقیقتی ثابت و پایدار است که هرگز دچار اضمحلال نمی‌شود و با وجود گذشت زمان، می‌توان جریان آن را در بستر زمان در قالب حرکت‌های حق و باطل و تداوم سنت‌های الهی و ... مشاهده نمود. روایات زیر بیانگر دیدگاه امام باقر(ع) در این خصوص است:

- قال ابو جعفر(ع): «لا تتخذوا من دون الله و لیجه فلا تكونوا مؤمنین فان کلّ سبب و نسب و قرابه و ولیجه و بدعه و شبهه منقطع مضمحلّ كما یضمحلّ الغبار الذی یکون علی الحجر الصلد اذا اصابه المطر الجود الا ما اثبتته القرآن» (کلینی، ۲۴۲/۸) یعنی: امام باقر(ع) فرمود: جز خدای متعال را به عنوان محرم اسرار نگیرید که در این صورت مؤمن نخواهید بود، چرا که هر رابطه و قوم و خویشی و دوستی و بدعت و شبهه‌ای منقطع خواهد شد، آن‌گونه که به هنگام بارش باران برسنگ سخت، غبار مضمحل می‌شود، مگر آنچه را که قرآن اثبات نموده باشد.

- عن عبدالرحیم القصیر قال: کنت یوماً من الايام عند ابی جعفر(ع) قال: «یا عبد الرحیم! قلت: لیبیک! قال: قول الله انما انت منذر و لكل قوم هاد [الرعد، ۷] اذ قال رسول الله (ص): انا المنذر و علیّ الهاد و من الهاد الیوم، قال: فسکت طویلاً ثم رفعت رأسی فقلت: جعلت فداک هی فیکم توارثونها رجل فرجل حتی انتهت الیکم، فأنت جعلت فداک الهاد، قال: صدقت یا عبد الرحیم، ان القرآن حی لا یموت و الآیه حیّه لا تموت، فلو

كانت الآيه اذا نزلت في الأقسام ماتوا فمات القرآن، و لكن هي الجارية في الباقيين كما جرت في الماضين و قال عبدالرحيم: قال ابو عبدالله (ع): ان القرآن حي لم يموت و انه يجرى كما يجرى الليل و النهار و كما تجرى الشمس و القمر و يجرى على آخرنا كما يجرى على اولنا» (عیاشی، ۲۰۴/۲) یعنی: ... امام باقر(ع) فرمود: ای عبدالرحیم! عرض کردم: بله، فرمود: در خصوص سخن خدای متعال که فرمود: (ای پیامبر) تو بیم دهنده‌ای و هر قومی هدایتگری دارد، پیامبر اکرم (ص) فرمود: من بیم دهنده‌ام و علی، هادی است، امروز هدایت‌گر کیست؟ عبدالرحیم گفت: من مدتی سکوت کردم، سپس سر خویش را بلند کردم و عرض کردم، فدای تو، این امر در میان شماست که یکی پس از دیگری از همدیگر به ارث می‌برید و امروز، شما هادی هستید. فرمود: راست گفتی ای عبدالرحیم، قرآن زنده‌ای است که هیچ مرگی برای آن متصور نیست و آیه قرآن نیز زنده است و مرگی برای آن نیست. اگر چنانچه آیه قرآن فقط درباره اقوامی که از دنیا رفتند نازل می‌شد، هر آینه قرآن نیز با مرگ ایشان، می‌مرد و لیکن آیه در مورد آیندگان، به سان گذشتگان جاری است. عبدالرحیم در ادامه آورده است: امام صادق(ع) نیز فرمود: قرآن زنده‌ای است که مرگی ندارد و هم چون شب و روز و خورشید و ماه جاری است. همان‌گونه که قرآن در مورد اولین از ما جاری بود، در خصوص آخرین از ما نیز جاری است.

بر این اساس قرآن کریم با وجود معانی ثابت و پایدار آن، هم‌چنان در بین اقوام و امت‌ها جاری است و راهگشای هر ملتی است که براساس آن به مسائل فردی و اجتماعی بنگرد.

۱۱- لزوم اخذ آنچه که موافق قرآن است

یکی از مبانی تفسیر قرآن نزد امام محمد باقر(ع) آن است که در امر تفسیر آنچه که مخالف قرآن است، مردود شمرده می‌شود و آنچه موافق قرآن کریم است باید اخذ نمود. روایاتی چند از امام محمدباقر(ع) در این خصوص مؤید این مسئله است از جمله:

«عن الباقر(ع): «انظروا أمرنا و ماجاءكم عننا، فإن وجدتموه للقرآن موافقاً فخذوا به و ان لم تجدوه موافقاً فردوه و ان اشتبه الامر عليكم فيه فقفوا عنده و ردوه الينا حتى نشرح لكم...» (عطاردی، ۱۶۶/۲ به نقل از بشاره المصطفی) یعنی: از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: در امر ما و آنچه که از ناحیه ما به شما می‌رسد، بنگرید. پس اگر آن را موافق قرآن

یافتید، پس بگیرید و اگر موافق قرآن نیافتید، آن را رد کنید و اگر کار بر شما مشتبه شد، باز ایستید و آن مسئله را به ما ارجاع دهید تا برای شما شرح دهیم.

- عن ابی جعفر، عن ابیه، عن علی (ع) قال: «فما وافق کتاب الله فخذوا به و ما خالف کتاب الله فدعوه» (عیاشی، ۸/۱) یعنی: از امام باقر (ع) از پدرشان امام سجاد (ع) از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: آنچه را که موافق کتاب خداست بگیرید و آنچه را که مخالف کتاب الهی قرآن است، واگذارید.

روشن است که این دستورالعمل اخیر در مواردی به کار می‌رود که مدلول روایت با مفاد آیه در تعارض باشد، که در این صورت باید روایتی را اخذ نمود که مدلول آن موافق کتاب الهی است.

۱۲- ممنوعیت ضرب قرآن به قرآن

مقصود از عبارت «ضرب قرآن به قرآن» در این گفتار عبارت است از خلط بین آیات و به هم زدن آنها از نظر مناسبات مفاهیم آیات با یکدیگر و اخلال نمودن در ترتیب بیان مقاصد آیات قرآن، که در نقطه مقابل «تصدیق آیات قرآن نسبت به یکدیگر» است. (در این مورد نک: طباطبایی، المیزان، ۸۳/۳) با بررسی روایات صادره در این خصوص چنین حاصل می‌گردد که این تعبیر «ضرب قرآن به قرآن» به نوعی از کفر می‌انجامد چرا که در این حال، مفسر با در هم آمیختن آیات قرآن و سوء برداشت از آنها، برخی از آیات را تکذیب می‌نماید. در این خصوص در منابع نقل شده است که رسول خدا (ص) از کنار گروهی گذشتند که آیات قرآن را تفسیر می‌کردند و آیه‌ای را به آیه دیگر به غلط ارجاع می‌دادند. ایشان در حالی که از این عمل خشمگین شده بودند، فرمودند که امت‌های قبل به همین طریق گمراه شدند، چرا که درباره پیامبرشان با یکدیگر اختلاف کردند و مطالب کتابشان را به (غلط به) یکدیگر ارجاع دادند. سپس فرمودند که به راستی قرآن نازل نشد تا برخی از آن برخی دیگر را تکذیب نماید. بلکه نزول آن بدان جهت بود که بعضی از آن بعضی دیگرش را تصدیق نماید، پس از قرآن هر چه را به درستی شناختید به آن عمل کنید و هر آنچه بر شما مشتبه بود، به آن ایمان آورید. (همانجا به نقل از الدر المنثور) از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر» (صدوق، ۱۹۰) هیچ کس قرآن را با قرآن ضرب ننمود مگر آن که کافر شد.

یکی از مبانی امام باقر (ع) در تفسیر قرآن نیز «ممنوعیت ضرب برخی آیات قرآن به

وسيله آيات ديگر» است. روايت زير در تأييد اين معنى از امام (ع) صادر شده است، چنانكه امام صادق (ع) از قول پدرشان مى فرمايد: «ما ضربَ رجلُ القرآنَ بعضه ببعضِ الاّ كفر» (همانجا) يعنى: هيچ كس بخشى از قرآن را به وسيله بخش ديگر ضرب نكرد، مگر آنكه كافر شد.

قابل توجه آنكه، آنچه كه مى تواند مفسّر قرآن را تا سر حدّ كفر بكشاند، عملى است كه لازمه آن انكار آيات الهى و تكذيب آنها باشد و ضرب قرآن به قرآن، مستلزم چنين عمل كفرآمیزی بوده كه انكار وحى را به دنبال خواهد داشت و اخلاص در ترتيب اهداف آيات را موجب مى گردد؛ همچون گرفتن آيات محكم به جاي متشابه و بالعكس. در تفسيرالميزان در اين باره آمده است: «سخن گفتن در خصوص قرآن براساس نظر شخصى و اظهارنظر پيرامون قرآن بدون علم و نيز ضرب قرآن به قرآن همگى مفهوم واحدی را القا مى كنند و آن عبارتست از استمداد از غير قرآن در تفسير قرآن.» (طباطبايى، الميزان، ۸۳/۳) لذا اگر صحابه و تابعين و نسل‌هاى بعدى فراتر از بيان نبوى (ص) بخواهند چيزی را بر قرآن تحميل نمايند، قطعاً عدول از طريقه و سنت پيامبر اكرم (ص) محسوب مى گردد. جز اين نيست كه پيامبر اكرم (ص) به عنوان معلّم و مبين قرآن كريم در راه آسان‌سازى فهم قرآن و نزديك‌تر كردن مخاطبين قرآن به اهداف قرآن، تلاش‌هاى وافرى داشتند و مطالب را به گونه‌اى سامان مى دادند كه ذهن متعلمين به آسانى آنها را فراگيرد و با آن مباحث به انس و آرامش برسد.

نتيجه‌گيرى

قرآن به عنوان كتاب هدايت بشر، سازنده انسان و وسيله رسيدن به قرب الهى است. بهره‌مندی از اين كتاب و دريای معارف آن، مبتنى بر فهم و تفسير دقيق آن است، كه خود دانشى مستقل به شمار مى رود. دانش تفسير داراى مباني و اصول متعددى است. شناخت فرايند فهم و تبیین آيات قرآن، نقش كليدى در فهم قرآن دارد. راه‌يابى به تفسير صحيح و دريافت معانى آيات، نيازمند شناخت مقدمات تفسير و متوقف بر تحليل و تثبيت معانى آن است.

انتخاب و گزينش هر مبنای تفسیری به انتخاب روش و قواعد خاصی در تفسير منتهی می‌گردد؛ لذا مفسران در اغلب موارد، براساس دیدگاه و مبانی خود، روش‌هاى تفسیری متفاوتی را برمی‌گزینند و در نتیجه تفسیری متمایز و بعضاً ناسازگار با يکديگر فراهم می‌آورند.

انتخاب هر مبنای تفسیری، خود برخاسته از اختلاف در نگرش به دین، به قرآن، به پیامبر اکرم(ص) و ... است؛ همان چیزی که سبب به وجود آمدن فرقه‌های کلامی یا مذهبی شده است. آنچه که اهمیت دارد، انتخاب صحیح مبانی تفسیری است تا زیر ساخت‌ها و مقدمات تفسیر، کامل‌تر شکل بگیرد و در نتیجه خطای در تفسیر کم‌تر رخ دهد و در انتها هدایت بیشتری برای متدبرین قرآن حاصل گردد.

از آنجا که سنت و سیره اهل بیت پیامبر(ص) در همه موارد از جمله در تفسیر وحی و در اتخاذ مبانی تفسیر قرآن، همانند پیامبر اکرم(ص) حجیت دارد، لذا لازم است تا با توجه به مدارک موجود نسبت به بررسی سیره هر یک از اهل‌بیت پیامبر اکرم(ص) در تفسیر قرآن و انتخاب مبانی تفسیر توسط ایشان، تحقیقات لازم به عمل آید. این نوشتار بر آن بود تا سیره امام محمد باقر(ع) را در انتخاب مبانی تفسیر قرآن، براساس روایات ایشان، مورد کنکاش قرار دهد.

از دیدگاه امام محمدباقر(ع)، قرآن به عنوان کتاب الهی، از خطر هر نوع دستبرد و تحریف به دور بوده است و پیامبر اکرم(ص) آن را به یک قرائت بر مردم عرضه داشتند. گرچه فهم کامل این کتاب و ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد اما برای کسانی که خواهان فهم آن باشند، امر تفسیر، هم امری ممکن و هم مجاز تلقی می‌گردد. قرآن کریم دارای ساختار چند معنایی است که با به کارگیری قواعد و روشهای صحیح می‌توان علاوه بر فهم از ظاهر الفاظ به فهم باطن یا بطون کلام الهی هم دست یافت. آیات این کتاب آسمانی، هماهنگ‌تر از اعضای یک بدن بوده، می‌توانند پاسخ‌گوی تمامی نیازهای فردی و اجتماعی او باشند. در تفسیر قرآن، علاوه بر سنت پیامبر اکرم(ص)، سنت اهل بیت ایشان نیز از حجیت برخوردار است. امام محمد باقر(ع) مخاطبین قرآن را از هرگونه تفسیر براساس دیدگاههای شخصی و استحسانات فردی برحذر داشته و تفسیر را امری قانون‌مند و دارای نظام معرفی نموده‌اند، که تبعیت از قانون تفسیر آن، منجر به هدایت انسان و بهره‌مندی هر چه بیشتر او از برنامه‌های تربیتی این کتاب مقدس می‌گردد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم
۲. سید رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، بیروت، ۱۳۸۷، ه.ق.
۳. ابن سلام، قاسم، فضائل القرآن، به تحقیق غزوه بدیر، بیروت، دارالملائین، ۱۴۱۱ ه.ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌تا.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶. بابایی، علی اکبر، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ه. ش.
۷. البرقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، المجمع العاملی لاهل البيت، ۱۴۱۳ ه. ق.
۸. حلی، جعفر بن حسن، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، انتشارات مصطفوی، بی تا.
۹. الخراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول*، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، بی تا.
۱۰. الخویی، سید ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ه. ق.
۱۲. الزمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و ...*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۱۳. السیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، قم، منشورات رضی، بی تا.
۱۴. شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روشهای تفسیری*، قم، مرکز جهانی، ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۵. الصدوق، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، تصحیح: الغفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ه. ش.
۱۶. الصفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم، مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۷. الطباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ ه. ق.
۱۸. همو، *قرآن در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۹. الطبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۲۰. الطبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۲۱. الطوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه. ق.
۲۲. العاملی، بهاء الدین محمد (شیخ بهایی)، *الوجیزه فی علم الدرایه*، قم، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۶ ه. ق.
۲۳. العطار دی، عزیز الله، *مسند الامام الباقر (ع)*، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۸۱ ه. ش.
۲۴. العیاشی، محمد، *تفسیر العیاشی*، به تصحیح هاشم رسولی محلاتی، طهران، المکتبه الاسلامیه، بی تا.
۲۵. الفراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، به تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامری، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۶. الفضلی، عبدالهادی، *اصول الحدیث*، دمام، مؤسسه ام القری، ۱۴۱۶ ه. ق.
۲۷. همو، *القراءات القرآنیه*، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۵ ه. ق.
۲۸. الكلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.

۲۹. کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳۰. المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق.
۳۱. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد، دانشگاه رضوی، ۱۴۱۹ ه.
۳۲. المفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، تحقیق: الغفاری، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۳. مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۳۴. نجارزادگان، فتح‌الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۵. همو، تحریف‌ناپذیری قرآن، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴ ه.ش.